

تأثیر گفتگوی تمدن‌ها بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران^۱

شهریار دبیرزاده

مقدمه

تنظیم و تدوین سیاست خارجی از جمله مسؤولیت‌های یک دولت است که در ضمن آن یکی از مناقشه‌انگیزترین حوزه‌های سیاست‌گذاری نیز می‌باشد. سیاست خارجی همه کشورها با محیط در تعامل است. اهداف، توانایی‌ها، استراتژی‌ها، ابزارها، فنون، تاکتیک‌ها، سبک و دستگاه سیاست خارجی، همچنین تصمیمات و اقدامات و پی‌آمدهای سیاست خارجی همگی در این تعامل نقش دارند. به عبارت دیگر سیاست خارجی را می‌توان نوعی پویش رفتار خارجی هر واحد سیاسی دانست که حاصل تعامل میان متغیرهای داخلی و بین‌المللی می‌باشد. در این راستا نظریه‌پردازی در باب سیاست خارجی و روند ایجاد آن وسیله‌ای است برای منظم ساختن پدیدارهای ملی و بین‌المللی به گونه‌ای که تشخیص علت و معلول‌های احتمالی و تبیین، توصیف و پیش‌بینی این پدیدارها میسر گردد.^(۱)

انتخابات ریاست جمهوری در خرداد ماه ۱۳۷۶ مرحله جدیدی را در سیاست داخلی و

۱. این مقاله برگرفته شده از یک رساله مورد حمایت دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی است.

خارجی جمهوری اسلامی ایران پدید آورد. نظرات آقای خاتمی در مورد سیاست خارجی برای رفع تنش با جهان خارج و اصلاحات در داخل با استقبال بی‌نظیری از طرف مردم و جهانیان روبه‌رو شد.

طرح مسأله تنش‌زدایی همراه با گفتگوی تمدن‌ها یکی از مفاهیم با اهمیت در تبیین سیاست خارجی ایران در این دوره می‌باشد. مسأله‌ای که در این نوشتار بیشتر بر آن تأکید می‌شود تأثیر گفتگوی تمدن‌ها بر سیاست خارجی ایران است که براساس همین موضوع این سؤال مطرح می‌شود که آیا با توجه به الگوهای مطرح در سیاست خارجی گفتگوی تمدن‌ها در سیاست خارجی ایران کارآمد بوده است؟

سیاست خارجی: چارچوب کلی

دولت‌ها از قدیم‌الایام با یکدیگر روابط گوناگونی از نوع سیاسی، اقتصادی و فرهنگی داشته‌اند. امروزه شبکه روابط بین‌المللی بسیار پیچیده شده است. اینگونه روابط مشتمل است بر اعزام و پذیرش نمایندگان سیاسی و کنسولی، عقد موافقتنامه‌های تجاری و گمرکی، واگذاری و تملک سرزمین، دریافت و پرداخت وام، مبادله استاد و دانشجو، تجارت گندم و ذرت و فیلم سینمایی. ولی سیاست خارجی را باید از این انبوه روابط تمیز داد. در حالی که روابط بین‌الملل شامل روابط بین حکومت‌ها، گروه‌ها و افراد مختلف می‌گردد سیاست خارجی فقط آن دسته از روابط را در برمی‌گیرد که ابتکار آن با حکومت‌ها بوده و از طرف آنان تصدی شده باشد و برای مثال امنیت یکی از هدف‌های مهم سیاست خارجی هر کشور است که برای حصول آن طرح‌های دفاعی، گسترش و تقویت نیروهای نظامی وضع می‌گردد. اصولاً سیاست به عنوان مشی سیاسی محسوب می‌شود که از تلفیق دانش علمی نسبت به محیط با انگیزه‌های مادی، اعتقادی، معنوی، شناخت علمی و فلسفی و همچنین مهارت اجرا حاصل می‌آید. در مورد مفهوم خارجی در عنوان سیاست خارجی ذکر این نکته لازم است که پیام سیاست خارجی با روابط خارجی جداست.

روابط خارجی به توصیف کنش‌های خارجی بین کشورها محدود می‌شود، اما در

سیاست خارجی اشاره به تلاش آمرانه‌ای است که کشورها به کار می‌گیرند تا با کسب، افزایش، حفظ و نمایش قدرت و منزلت خود در صحنه بین‌المللی را ارتقاء بخشند. مفهوم قدرت و میل به افزایش آن خصیصه جوهری هر اقدام در سیاست خارجی است.^(۲) همین امر ما را به سوی طرحی تحت عنوان رئالیسم سیاسی رهنمون می‌کند که اولین و مهم‌ترین موضوع آن تفکیک بین آنچه که هست و آنچه که باید باشد است. یعنی دوری از ایده‌آلیسم در سیاست خارجی زیرا که ایده‌آلیسم به سرعت به ایدئولوژی تبدیل می‌شود و باعث بسته شدن ذهن می‌گردد. در نتیجه مواد خام و وقایع جدید وارد ذهن تحلیل‌گر نمی‌شود و تحلیل‌گر دچار توهم می‌شود و نتایج تفکرات توهم‌آمیز در عمل به افق‌ها و کانون‌هایی منتهی می‌شود که برای منافع یک ملت و آینده آن خطرناک است. البته باید گفت رئالیسم سیاسی به معنی حذف آرمان‌ها نیست بلکه واقع‌بینی و مرحله‌ای کردن و تحقق تدریجی آرمان‌ها است. آرمان داشتن انسانی است ولی اصرار در تحقق سریع آنها غیرعقلانی است.^(۳)

به این ترتیب دولت مردان بزرگ تاریخ انانی بودند که میان واقعیات داخل مرزها و تحولات بیرون تطابق ایجاد کرده‌اند. از طرفی بین موفقیت سیاست خارجی توسعه سیاسی - اقتصادی و فنی رابطه‌ای تنگاتنگ ایجاد شده است. نظمی جدید در حال شکل‌گیری است و قواعد جدید رفتاری در حال ظهور است و نهادهای جدیدی پدیدار می‌شود که به شدت نهادهای گذشته را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بررسی تاریخ تحولات سیاسی بشر نشان می‌دهد آن دسته از بازیگران سیاسی موفق بوده‌اند که توانسته‌اند متغیرهای محلی را به سرعت درک کنند و ضمن درونی کردن تحولات ناشی از آن به آماده‌سازی خود پرداخته و نهایتاً به بهره‌گیری از آن بپردازند.^(۴) اصولاً مهم‌ترین هدف سیاست خارجی تامین منافع ملی است، در واقع در جهان امروز سیاست خارجی هر کشوری باید بقای هر کشور را یک حداقل خواست تلقی کند و به این ترتیب باید گفت تا زمانی که جهان به کشورهای مستقل و حاکم تقسیم شده است منافع ملی آخرین کلمه در سیاست جهان است. به هر صورت شعارها و برنامه‌های تدوین شده برای سیاست خارجی باید بتوانند منافع ملی کشور را در بالاترین سطح حفظ و تأمین نمایند و برای

این منظور باید یک سری از پارامترها را در نظر گرفت. اصولاً در بررسی سیاست خارجی هر کشور باید به دو اصل اساسی توجه داشت: این که هر کشوری در سیاست خارجی خود دارای یک سری اصول ثابت است و دیگر این که ماهیت نظام سیاسی و دولت مردان آن، که یک مورد سیال و متغیر است.

اصول ثابت سیاست خارجی از سه عنصر ساختار نظام بین‌الملل، ویژگی‌های جغرافیایی سیاسی و نظام اقتصادی و فرهنگ عمومی و سیاسی کشور تشکیل شده است. سه عنصر فوق از ثبات و دوام تاریخی بیشتری برخوردار هستند و به واسطه تغییر در ماهیت نظام سیاسی و یا طیف دولت مردان یک کشور متحول نمی‌شوند. اما در طیف دوم، چارچوب حقوقی و فکری ناشی از نظام سیاسی است، که دولت مردان خاصی را تربیت می‌کند و فضای جدید فکری و رفتاری ایجاد می‌نماید. این طیف و مشتقات آن می‌تواند تغییر کند کما این که نظام باورها، منافع و فراسند تصمیم‌گیری تابع ماهیت نظام سیاسی یک کشور و ماهیت طبقاتی و فکری دولت مردان آن است. آنچه که حائز اهمیت است درک خصوصیات ستون اول در مدیریت سیاست خارجی توسط دولت مردان است زیرا اگر بتوان ماهیت نظام سیاسی یک کشور را تغییر داد، به راحتی نمی‌توان جغرافیا، نظام اقتصادی و فرهنگی آن را متحول کرد.^(۵)

بنابراین طرح هر استراتژی برای سیاست خارجی باید با توجه به اصول ثابت آن طراحی شود به نحوی که بتوان از پتانسیل‌های موجود در اصول ثابت حداکثر استفاده را نمود. از طرفی باید به این نکته نیز اشاره کرد که سیاست خارجی هر کشوری، در نهایت ادامه سیاست داخلی آن کشور است. در ایران با توجه به وقوع انقلاب اسلامی دگرگونی عظیمی در درون کشور ایجاد شد که سیاست خارجی آن نیز تحت تأثیر همین شرایط تغییرات عمده‌ای کرد. بر این اساس با توجه به شرایط داخلی سیاست خارجی ایران بعد از انقلاب اسلامی را می‌توان به چهار دوره تقسیم نمود که تحت شرایط گفتمانی خاص خود به عنوان مشی خارجی ایران انتخاب شده‌اند.

دوره اول: دوران دولت موقت، ۱۳۶۰-۱۳۵۷

دوره دوم: دوره گفتمان ارزش محور یا آرمان‌گرا: ۱۳۶۸-۱۳۶۰^(۶)

دوره سوم: دوران سازندگی بعد از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و پایان جنگ دوره چهارم: دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی و حاکمیت تر تنش‌زدایی و گفتگوی میان تمدن‌ها است. هدف این مقاله بررسی این دوره و تأثیر گفتگوی تمدن‌ها بر سیاست خارجی ایران است.

انتخاب آقای محمد خاتمی به عنوان رئیس جمهور دوران جدیدی را بر عرصه سیاست داخلی و خارجی ایران پدید آورد. شرایط داخلی کشور و مسائل متعدد در روابط خارجی ایران آقای خاتمی را بر آن داشت تا به یک بازنگری اساسی در سیاست خارجی و روابط بحرانی ایران با قدرت‌های بزرگ جهانی و کشورهای منطقه بپردازد. ضمن این‌که انتشار مقاله تهدیدآمیز رویارویی تمدن‌های ساموئل هانتینگتون^۱ بازتاب جهانی پیدا کرده بود، پاسخگویی متولیان تمدن‌های غیر غربی را اجتناب‌ناپذیر کرده بود. از سوی دیگر در آستانه ورود به هزاره سوم تاریخ، روابط بین‌الملل به مناسبت تحولات پیوای جامعه بشری در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی و عقلایی و منطقی‌تر شدن رفتار کشورها بازنگری در سیاست خارجی امری بدیهی به نظر می‌رسید. به عبارت دیگر بازنگری سیاست خارجی هم متأثر از الزامات و عوامل داخلی بود و هم تحت تأثیر شرایط و تحمیلات نظام بین‌الملل قرار داشت.^(۷)

اولویت سیاست‌های رئیس جمهور جدید بر توسعه سیاسی و اقتصادی در سطح داخلی و پذیرش پلورالیسم جهانی و تساوی فرهنگ‌ها و دوری جستن از هرگونه حرکت‌های اختلاف‌برانگیز بر سطح خارجی مدنظر قرار گرفت.

در عرصه داخلی آقای خاتمی بر آزادی، قانون اساسی، حقوق ملت، قانون‌گرایی، حرمت شهروندی، کرامت انسانی، توسعه سیاسی و در کل بر جامعه مدنی تأکید می‌کرد. جامعه مدنی به شعار محوری در داخل تبدیل شد. تظاهر خارجی و عینی این روند در سیاست خارجی گفتگوی تمدن‌ها بود، در ضمن آن مشارکت وسیع مردم در انتخابات نیز فضا و جو بسیار مساعد و مناسبی

1. Samuel Huntington

به نفع ملت ایران در نزد افکار عمومی مردم جهان به وجود آورد. به عبارتی بازنگری در سیاست خارجی هم متأثر از الزامات و عوامل داخلی بود و هم تحت تأثیر شرایط و تحمیلات نظام بین‌الملل قرار داشت.^(۸)

گفتگوی تمدن‌ها بر این اعتقاد است که مصائب و مشکلاتی که در گذشته گریبانگیر بشریت بوده جملگی ناشی از عدم تفاهم میان ملت‌ها بوده است و بشر در آستانه ورود به هزاره سوم تاریخ خود با درس آموزی از وقایع گذشته می‌تواند از طریق گفتگو و مفاهمه مانع بروز جنگ و تکرار دوباره مصائب تلخ در روابط کشورها گردد.

آقای خاتمی در سخنرانی در دانشگاه فلورانس گفتگوی تمدن‌ها را به این نحو تعریف می‌کند: "آنچه از (دیدن) حاصل می‌شود موجب گسترش دامنه دانایی و همچنین قوام و استوار (من) می‌شود. در حالی که ما با دیگران سخن می‌گوییم و از دیگران سخن می‌شنویم. دیدن از پایگاه (من) متحقق می‌شود و جهان و انسان متعلق بینایی و موضوع بینش من هستند. اما (گفتن) و (اندیشیدن) کوششی دوجانبه یا چند جانبه است برای نزدیکتر شدن به حقیقت و دست یافتن به تفاهم. گفتگوی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها که در واقع باید از آن به گفت و شنود تمدن‌ها تعبیر کرد، مبتنی بر چنین تعریفی از حقیقت است و این تعریف الزاماً با تعاریف معروف حقیقت که در متون فلسفی از آنها بحث کرده‌اند تغایر ندارد. برای تحقق گفتگوی واقعی میان تمدن‌ها لازم است که شرق به جای آن که موضوع شناخت باشد به شریک بحث و طرف مکالمه تبدیل شود. این گام بسیار مهمی است که باید اروپا و امریکا برای تحقق طرح گفتگوی تمدن‌ها بردارند. بالاخص که گفتگوی با ایران دارای امتیازات بسیاری است. ایران از طرفی با اروپا همسایه است و از طرف دیگر با آسیا به این خاطر ایران رابط بین فرهنگ شرق و غرب است. یعنی رابط بین جان و عقل، قلب و ذهن ایرانی مظهر تعادل، محبت و مداراست. از این رو ایرانیان طرفدار گفتگو و هوادار عدالت و صلح هستند."^(۹)

کمال خرازی وزیر امور خارجه در سخنانی که پنج ماه پس از انتخاب آقای خاتمی به ریاست جمهوری در مجمع عمومی سازمان ملل ایراد می‌کند، درباره سیاست گفتگوی تمدن‌ها

می‌گوید: "گسترش گفتگو و همکاری قانونمند بین‌المللی بر نامه‌های سیاست خارجی دولت جدید ایران است. گسترش روابط با تمام کشورها بر اساس احترام متقابل، منافع مشترک و منفی هرگونه سلطه‌گری و سلطه‌پذیری و تأکید بر نهادینه شدن مقررات حقوق بین‌الملل، تلاش در جهت کاهش تشنج در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی و تقویت انسجام و وحدت کشورهای اسلامی و غیرمتعهد از جمله اولویت‌های سیاست خارجی دولت جمهوری ایران است."^(۱۰)

بدین ترتیب سیاست خارجی ایران در جهت تز تنش‌زدایی با دیگر کشورهای جهان گام برداشت و وارد مرحله جدیدی از تاریخ سیاست خارجی خود شد.

به طور کلی اصول سیاست خارجی خاتمی بر سه اصل استوار است:

۱. اصل عزت، حکمت و مصلحت؛

۲. تنش‌زدایی؛

۳. گفتگوی تمدن‌ها.

اصل اول که راهنمای کلی برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. اصل دوم یعنی تز تنش‌زدایی در چارچوب اصل عزت، حکمت و مصلحت به این معنی است که جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی خود در صدد اعتمادسازی و رفع سوء تفاهات انباشته از گذشته است و سعی دارد به هر نوع برخورد و کشمکش در روابط خارجی پایان دهد. به سخن دیگر این سیاست به واقعیت‌های موجود بین‌المللی توجه دارد و با دیدی واقع‌گرا سعی در حفظ امنیت و منافع ملی خود دارد. تنش‌زدایی نه تنها خواهان استقرار یک نظام مردم‌سالاری در درون جامعه خود است بلکه منادی دعوت به صلح مبتنی بر عدالت، تساوی و حذف زور در روابط بین‌المللی است.^(۱۱)

به عبارتی گفتگوی تمدن‌ها رami توان از این جهت که لزوم همکاری و هم‌زیستی کشورها را به عنوان یک واقعیت و به منظور جلوگیری از بی‌نظمی و خشونت در عرصه جهانی مطرح می‌کند، دیدگاهی واقع‌گرا دانست. به عبارتی دیگر چنانچه گفتگوی تمدن‌ها را در سطح کلان و در مقابل نظریه رویارویی تمدن‌های هائیتینگتون قرار دهیم در چارچوب رهیافت

ایده آلیستی قرار می‌گیرد که دو جانبه‌گرایی را به چند جانبه‌گرایی، دیپلماسی مخفی را به مبادلات فکری و منافع ملی را به منافع متقابل بشری بدل می‌کند.

گفتگوی تمدن‌ها در واقع طرح عملی دولت جمهوری اسلامی ایران به منظور تنش‌زدایی در سیاست خارجی خود است. اصولاً پیوستگی مفهوم دموکراسی در داخل یا صلح در خارج در اندیشه خاتمی رامی‌توان به بهترین شکل در جهان‌نگرش و برداشت وی از سیاست خارجی ایران مشاهده کرد. او بار د اندیشه بر خورد تمدن‌ها از اصل گفتگوی تمدن‌ها، مذاهب، فرهنگ‌ها و ملت‌ها هواداری می‌کند. او به وابستگی متقابل جوامع، فرهنگ‌ها و اقتصادها باور دارد و هوادار نوعی سیاست خارجی خلاق و استوار است. بدین ترتیب گفتگوی تمدن‌ها به منزله نخستین گام در دستیابی به اهداف سیاست خارجی مطرح شد تا پیش از هر چیز بتوان فضایی آرام و مناسب همکاری و تفاهم فراهم آورد. از این رهگذر به منظور گسترش روابط در ابعاد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی سود جست. (۱۲)

اصولاً گفتگوی تمدن‌ها حرکتی بود در جهت مفهوم سازی در سیاست خارجی که این سیاست و تنش‌زدایی در ایجاد نوعی هماهنگی بسیار مؤثر بوده‌اند. آنچه که مسلم است مفهوم سازی دقیق و علمی در سیاست خارجی ایران می‌تواند هماهنگی، اعتبار، کارائی و پویایی را به همراه آورد. (۱۳) از طرفی این سیاست از لحاظ بعد زمانی نیز در بهترین زمان ممکن ارائه شده است چرا که با فروپاشی نظام دوقطبی فرصت‌های جهانی جدیدی برای بازیگران بین‌المللی فراهم شده و هر یک می‌توانند با استفاده به موقع و صحیح از این فرصت‌ها و طرح دیدگاه‌های جدید در جهت تامین منافع خود تلاش کنند. از طرف دیگر دولت‌هایی که در گذشته دچار نوعی انزوای سیاسی و بین‌المللی شده‌اند می‌توانند با تکیه بر وجه مثبتی که از خود نزد دولت‌های دیگر ایجاد کرده‌اند در بسیاری از مواقع بدون ایجاد تغییرات جدی و پرهزینه در سیاست اجرایی خود به اهدافی که دارند نائل شوند. البته این اصل منوط به جلب اعتماد و باور جامعه بین‌المللی نسبت به چنین چهره‌ای است به گونه‌ای که کشور مورد نظر بتواند دیگر بازیگران بین‌المللی را در پذیرش این چهره قانع سازد. طرح مسأله گفتگوی تمدن‌ها به همراه پیروزی دموکراتیک آقای

خاتمی و شعارهای اصلاحیست این مسأله را برای جمهوری اسلامی ایران برآورده سازد. همچنین مسائلی مانند جهانی شدن سیر تحولات جهانی را پیچیده‌تر کرده است. جهانی شدن از یک طرف با دیکته کردن استراتژی‌های سیاست خارجی و صنعتی به کشورهای به اصطلاح در حال توسعه تأثیر جدی بر یکسان‌سازی جامعه بشری به جا گذاشته و از سوی دیگر موجبات گسترش دیپلماسی چندجانبه و بزرگتر شدن و مهم‌تر شدن نقش سازمان‌های بین‌المللی را فراهم نموده است. گفتگوی تمدنی می‌تواند در این عرصه نیز راهگشای بسیاری از مسائل باشد. جهانی شدن اقتصاد، فرهنگ، انقلاب اطلاعات و انفورماتیک، روندهای موجود در سطح جهان را نه تنها گسترش و تعمیق داده‌اند بلکه با چنان شتاب فزاینده‌ای به پیش می‌روند که در عمل جهان هر روز با پدیده‌های نو و جدید روبه‌رو می‌شود. گفتگوی تمدن‌ها زمینه شناخت و برخورد عاقلانه و محققانه با این پدیده را فراهم می‌کند و ذهن تحلیل‌گران را جهت ورود داده‌های جدید باز می‌گذارد و روند تصمیم‌گیری به سوی واقعیات بیشتر گرایش پیدا می‌کند بدین ترتیب هم شرایط جهانی و هم واقعیات سیاسی مهر تأیید به سیاست گفتگوی تمدن‌ها می‌زند.

گفتگوی تمدن‌ها، ایران و جهان

سیاست گفتگوی تمدن‌ها و تنش‌زدایی در شرایطی به عنوان استراتژی سیاست خارجی ایران انتخاب شد که از لحاظ بین‌المللی و روابط سیاسی ایران دچار یک انزوای نسبی شده بود. انتخاب این سیاست توانست ایران را از لحاظ انزوای سیاسی که گرفتار آن شده بود نجات دهد و از جو مصنوعی تنش و مقابله بین ایران و کشورهای جهان و منطقه بکاهد و فضای گفتگو و همکاری را جایگزین آن نماید. تغییر لحن و ادبیات دولت مردان ایران پس از دو دهه با استقبال تمامی سازمان‌های بین‌المللی و همچنین دولت‌های جهان روبه‌رو شد. این ایده توانایی استفاده ایران از محافل و تریبون‌های رسمی و غیررسمی جهانی به منظور معرفی چهره حقیقی اسلام و آرمان‌ها و واقعیت‌های ایران (آنگونه که هست) را در اختیار ایران قرار داد. (۱۴)

به طوری که این ایده توسط سازمان ملل متحد برای مقابله با فقدان تفاهم میان ملت‌ها توسعه یافت و سال ۲۰۰۱ تحت چنین عنوانی به جهانیان معرفی گردید. طرح ایده گفتگوی تمدن‌ها از سوی نظام جمهوری اسلامی ایران به معنای چهره‌گفتمانی آن قلمداد گردید و این ایده در عرف دیپلماسی بیانگر عزم جمهوری اسلامی ایران به ایجاد رابطه با جهان خارج است. با این طرح جمهوری اسلامی ایران توانست به جهانیان بگوید که نه تنها تهاجم و خشونت و افراط‌گرایی را نفی می‌کند، بلکه قائل به هم‌زیستی و تفاهم بر مبنای تعقل و تعامل و گفتگو با ارزش‌گذاری بر همه دستاوردهای خوب تمدن‌ها و فرهنگ بشری است چیزی که می‌توان از آن به عنوان مصالح متقابل بشری نام برد.

گفتگوی تمدن‌ها دارای یک متدولوژی مورب می‌باشد که صورت‌گرایی رسمی و تکسونگری در سطح خرد و کلان را می‌شکند و به تعامل‌های متناقض، هم‌زمان و گسترش‌یابنده‌ای که در پویش‌های تاریخی بین‌المللی وجود دارد نیز عنایت می‌شود. (۱۵)

در گفتگوی تمدن‌های اصل بر تنوع و تکثر است و این که هر یک از تمدن‌های بشری دارای عرفی برای گفتن هستند. همین امر، یعنی نوعی نگاه پلورالیستی همراه با تساهل به جهان پیرامون توانست تغییر نظر جهانیان را نسبت به ما به ارمغان بیاورد و سیاست خارجی ما را از حالت انفعالی به حالت پویا و فعال سوق دهد.

گفتگوی تمدن‌ها ایران و جهان عرب

دیدگاه بدیع‌خانمی در مورد گفتگوی تمدن‌ها در نشست آذر ۱۳۷۶ (دسامبر ۱۹۹۷) سران کشورهای اسلامی در تهران که نمایندگان همه دولت‌های مسلمان جهان در آن حضور داشتند با استقبال فراوان روبه‌رو شد. بیانیه تهران در پایان نشست سران برای اجزای اصلی سیاست خارجی تازه آشتی‌جویانه ایران وزن و اهمیت زیادی قائل شد. شرکت‌کنندگان در نشست رسماً اعلام کردند که مایلند بر ضرورت تعامل مثبت گفتگو و تفاهم میان فرهنگ‌ها و مذاهب تأکید کنند و فرضیه برخورد و درگیری را که موجب بی‌اعتمادی شده و زمینه تعامل صلح

جوینانه ملت‌ها را کاهش می‌دهد مردود شمارد. (۱۶)

برگزاری موفقیت‌آمیز نشست سران کنفرانس اسلامی در تهران و بیانیه پایانی آن برای سیاست خارجی ایران یک پیروزی محسوب می‌شود. به این ترتیب برگزاری اجلاس سران که نمونه‌ای از گفتگوی میان کشورهای اسلامی بود و جبهه و اعتبار بین‌المللی را تقویت کرد و هاله‌ای از مشروعیت بین‌المللی به ایران بخشیده و یکی از اهداف سیاست خارجی و دستگاه دیپلماسی که برای هر کشوری مهم می‌باشد یعنی پرستیژ را برای ایران در منطقه و جهان به ارمغان آورد. (۱۷)

ارتباط با کشور عربستان سعودی به عنوان یک پایه توازن و شاه کلید ارتباط با کشورهای عرب منطقه نیز از دستاوردهای سیاست تنش‌زدایی و گفتگوی تمدنی است. عربستان سعودی به عنوان خاستگاه دین اسلام و شامل اصلی‌ترین زیارتگاه‌های اسلامی و محل انجام فریضه حج و با ذخایر عظیم نفتی از جایگاهی برتر در بین کشورهای عرب منطقه و سازمان اوپک و سازمان کنفرانس اسلامی سود می‌برد و به طور نسبی، سیاست این کشور ترسیم‌کننده سیاست‌های نفتی اوپک است. با توجه به نقش اساسی دو کشور ایران و عربستان سعودی روابط آنها در منطقه خلیج فارس و چگونگی آن روابط در این منطقه بسیار تأثیرگذار بوده است. همکاری این دو کشور می‌تواند ثبات نسبی را به منطقه خلیج فارس بازگرداند. باید بر این نکته اذعان داشت که در این دوران ایران و عربستان سعودی دارای گرمترین روابط در طول تاریخ سیاسی هفتاد سال گذشته خویش بوده‌اند.

در پی حضور هیأت بلندپایه سعودی در اجلاس سران به ریاست امیر عبدالله شاهد روندی صعودی در بهبود روابط دو کشور بوده‌ایم. سعودی‌ها همچنین از نتایج انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ و سیاست تنش‌زدایی و اعتمادسازی دولت جدید به گرمی استقبال کرده، آن را در جهت روند نزدیکی دو کشور ارزیابی نموده‌اند و با اشتیاق بیشتر گام‌های جدیدی را به منظور ارتقای روابط سیاسی-اقتصادی فرهنگی برداشته‌اند. دوره اخیر به لحاظ حجم رفت و آمدها و تنوع فعالیت‌های دو جانبه، دوره‌ای استثنایی به شمار می‌رود. (۱۸)

برخی از اهم این تحولات به شرح زیر است:

الف. حضور هیأت بلندپایه سعودی در اجلاس سران کنفرانس اسلامی به ریاست امیر عبدالله؛

ب. سفر امیر سلطان بن عبدالعزیز معاون شورای وزیران، وزیر دفاع و هوانوردی و بازرس کل عربستان به تهران در اردیبهشت ماه ۱۳۷۸؛

ج. سفر رئیس جمهور خاتمی به عربستان در اردیبهشت ۱۳۷۸ و امضای قراردادهای مختلف بین دو کشور که این امر نشان دهنده سطح بالای روابط بین دو کشور در نتیجه اعمال سیاست تنش زدایی و گفتگوی تمدن‌ها است.

به طور کلی باید گفت، گفتگوی درون تمدنی با کشورهای اسلامی از طریق تاکید براسلامیت منطقه می‌تواند اثرگذاری زیادی داشته باشد. اصالت فرهنگی منطقه بهترین سرمایه‌ای است که به قانونی شدن حکومت‌ها و جلوگیری از وابستگی سیاسی آنها خواهد انجامید. به هر صورت بهبود روابط ایران با جهان عرب باید از یک دایره اصلی شروع شده سپس به تدریج به طرف دوائر مرتبط بعدی حرکت کند. دایره اول آن عربستان سعودی است که ایران در این دوره توانسته است ابتکار عمل در این زمینه را به دست گیرد و در جهت تنش زدایی در روابط خویش با عربستان روابط خود با دیگر کشورهای عربی رانیز سامان بخشیده است.

ایران و غرب

پس از پیروزی دموکراتیک ریاست جمهور در ایران، نگاه جهانیان به خصوص غرب به ایران معطوف شد. طرح مسأله گفتگوی تمدن‌ها و گفتگوی با غرب با استفاده گسترده جهانیان روبه‌رو شد از طرفی به دنبال این مسأله ارتباط قطع شده ایران و اروپا از نو مورد بازنگری قرار گرفته و سفرای کشورهای اروپایی که به دنبال حکم صادره دادگاه می‌کونوس از ایران خارج شده بودند به ایران بازگشتند که این مورد خود موفقیتی بزرگ برای دستگاه دیپلماسی ایران محسوب می‌شود. بدین ترتیب دور جدیدی از روابط با اتحادیه اروپا آغاز گردید. نگرانی اروپا به خاطر از دست دادن یک شریک تجاری و سیاسی در منطقه و همچنین واکنش در برابر قوانین فرامرزی

امریکا سبب شد تا در یک دوره تاریخی کوتاه مدت و سریع اتحادیه اروپا به اصلاح مواضع خود در قبال ایران بپردازد.

در شانزدهم مهر ۱۳۷۶ اتحادیه اروپا با حمایت از طرح‌های سرمایه‌گذاری در صنایع نفت ایران، امریکا را از هرگونه تحریم علیه شرکت نفت توتال بر حذر داشت و به دنبال از سرگیری روابط اتحادیه اروپا با گفتگوی انتقادی تبدیل به گفتگوی سازنده شد که این یکی از موفقیت‌های عمده در عرصه دیپلماسی ایران در این دوران می‌باشد. سفرهای متعدد آقای خاتمی به کشورهای عمده اروپایی نظیر آلمان، ایتالیا، فرانسه، اسپانیا و سخنرانی‌های متعدد در این کشورها نشان از ارتقای سطح روابط با این اتحادیه می‌دهد. البته باید این واقعیت را نیز در نظر داشت که هنوز هم موارد اختلاف فراوانی در روابط ایران با اتحادیه اروپا می‌توان مشاهده کرد. اما آنچه که مهم است وجود از تباطی پویا و فعال و بازی در عرصه روابط بین‌الملل است که از انزوای سیاسی ایران جلوگیری می‌کند.

البته باید اشاره داشت که تمامی این دستاوردها به علت سیاست شفاف دولت ایران در سیاست خارجی است. از طرفی میل کشورهای اروپایی برای کسب استقلال بیشتر در روابط خارجی خویش همچنین منافع سیاسی و اقتصادی این اتحادیه در منطقه خلیج فارس، آسیای مرکزی و منطقه خاورمیانه را نیز نباید از نظر دور داشت. در هر صورت عقد قراردادهای تجاری و سیاسی و همکاری‌های گوناگون با کشورهای اروپایی مروهون پیدایش اراده تازه و دور اندیشانه‌ای است که به خصوص با طرح گفتگو در یک سال گذشته به فضای سیاست خارجی کشور حاکم شده است. (۱۹)

اما واکنش سیاست خارجی امریکا در قبال ایران طی چند سال گذشته سیاست مهار بوده است. روند انتخابات ایران و تز گفتگوی تمدن‌ها، گفتگوی رئیس‌جمهور با شبکه تلویزیونی C.N.N که منطق سیاست مهار امریکا علیه ایران را عمیقاً زیر سؤال برده به این صورت که تمام یافته‌ها و یافته‌های استراتژیست‌های مهارگرا در این که ایران خطرزا و تهدید آفرین است در سرتاسر دنیا از جمله در داخل امریکا مورد تردید همگان واقع شد.

تکیه بر مفاهیم تنش‌زدائی و گفتگوی میان تمدن‌ها و مفاهیم دیگری که در ارتباط با این دو مفهوم قرار می‌گیرند. نظیر اعتمادسازی، مشارکت و تفاهم مورد استقبال عمومی دولت-ملت‌ها قرار گرفت. تجلی این مقبولیت را می‌توان در قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۸ مبنی بر اعلام سال ۲۰۰۱ به عنوان سال بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها نظاره‌گر بود.

خلع سلاح مهارگرایانه امریکایی، با توجه رئیس‌جمهور ایران نسبت به جامعه و مردم امریکا بیشتر عملی شد. مصاحبه آقای خاتمی با C.N.N و ارتباط مستقیم با مردم امریکا در ژانویه ۱۹۹۸ (۱۳۷۶) انفعالی‌ترین لحظات را برای مهارگرایان امریکا به همراه داشت. (۲۰)

سیاست گفتگوی تمدن‌ها توانست تلاش‌های فکری - اجرایی استراتژیست‌های امریکایی را برای جایگزین کردن اسلام سیاسی با کمونیسم دوران جنگ سرد به منظور حفظ و گسترش مناطق نفوذ خود بی‌اثر یا کم‌اثر سازد. بدین ترتیب باید گفت سیاست خارجی ایران مبتنی بر گفتگوی تمدنی و تنش‌زدایی توانسته است به طور نسبی یکی از ضد ایرانی‌ترین سیاست‌های قدرت بزرگ یعنی سیاست مهار ایران را به شکست نسبی رساند.

سیاست گفتگوی تمدن‌ها به خصوص بعد از حادثه یازدهم سپتامبر نیز می‌تواند یکی از مهم‌ترین استراتژی‌های ایران در سیاست خارجی ما باشد.

حوادث تروریستی یازدهم سپتامبر امریکا بی‌تردید نقطه عطفی در تحولات نظام بین‌المللی بعد از پایان جنگ سرد محسوب می‌شود. پی‌آمدهای عمیق این حوادث در داخل امریکا و در سطح بین‌المللی همه بازیگران سیاسی را به صورت و اشکال مختلف از خود متأثر ساخته است. بدون شک ایران نیز به واسطه دلایل مختلف از جمله همجواری با افغانستان و عراق از پی‌آمدهای حادثه اثرات مختلفی پذیرفته و می‌پذیرد.

سیاست خارجی ایران به گونه‌ای مستقیم از تحولات بین‌المللی تأثیر می‌پذیرد. ایران با عنایت به موقعیت ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و ژئوفرنهنگی در تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی جز لاینفک تحلیل‌های مربوط به رخدادهای جهانی است، که این امر سیاست خارجی را با بحث‌های جدید روبه‌رو کرده است. در این مباحث عده‌ای از تاریخ انقضای سیاست گفتگوی

تمدن‌ها و تنش‌زدایی سخن می‌گویند و عده‌ای بر لزوم تقویت بیشتر اینگونه سیاست‌ها به عنوان ابزارهای خنثی کردن تمایلات توسعه طلبانه امریکا تاکید نموده‌اند.^(۲۱) اما آنچه که مهم است توجه بیشتر به واقعیات بین‌المللی است. در همین راستا استفاده از گفتگوی تمدن‌ها می‌تواند هم به عنوان ایده‌ای در برابر برخورد تمدن‌ها جهان را به صلح و هم‌زیستی بخواند و هم می‌توان از ایران به عنوان منادی صلح و گفتگو چهره‌ای صلح‌جو در جهان به عرصه نمایش بگذارد و بدین ترتیب سیاست مثلث شیطانی جرج بوش را به چالش کشاند. کم‌این که ما شاهد روند مخالفت اتحادیه اروپا با امریکا در مورد مسأله ایران و طرح مسأله محور شرارت از طرف امریکا شدیم.

ارتباط با اتحادیه اروپا و سفر اخیر آقای خاتمی به اسپانیا و عقد قراردادهای مختلف با اتحادیه اروپا خود دلیلی واضح برای موفقیت نسبی سیاست خارجی ایران حتی بعد از طرح مسأله محور شرارت می‌باشد. هر چند که این مسأله نباید ما را از واقع‌گرایی و نادیده انگاشتن تهدیدهای ایالات متحده امریکا و ضرورت اتخاذ سیاستی دقیق بازدارد.

نتیجه مباحث

اصولاً در مطالعه و بررسی روند تصمیم‌گیری و اجرای سیاست خارجی همواره با دو محیط داخلی و بین‌المللی مواجه‌ایم که هر یک به نحوی بر سیاست خارجی تأثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر منابع سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همانند سایر کشورها به دو دسته منابع داخلی و منابع خارجی تقسیم می‌شوند. منابع خارجی ماهیت و ساختار نظام بین‌المللی، خصوصیات واحدهای سیاسی تشکیل دهنده آن، توانایی‌های واحدهای سیاسی در تعاملات بین‌المللی و میزان تأثیرگذاری بر یکدیگر را در برمی‌گیرند. فروپاشی نظام دوقطبی و تلاش ایالات متحده امریکا در برعهده گرفتن نقش هژمونیک جهان به خصوص پس از حوادث یازدهم سپتامبر و به دنبال آن مسأله جهانی شدن همراه با پیشرفت انقلاب گونه در فن‌آوری ارتباط و اطلاعات و ده‌ها نوآوری در دو دهه اخیر دولت‌ها را به طرح‌ریزی برنامه‌های جدید مدیریتی و

راهبردی ناگزیر گردانیده است. سیاست گفتگوی تمدن‌ها در قالب اصلاح طلبی با عنایت به رفع مشکلات درون جامعه‌ای می‌تواند پاسخی مناسب و منطقی به دگرگونی‌های صورت گرفته در عرصه جهانی باشد.

در سال‌های اخیر این نکته به طور روزافزونی در پرتو پژوهش‌های علمی آشکار شده که ساکنان این سیاره کوچک به مراتب بیش از آنچه که در گذشته تصور می‌شد به یکدیگر و به زیست بومی که در این سیاره موجود است متکی هستند.

رفته رفته نظام جهان متحول شد و ساختارهای گذشته در هم ریخت و به خصوص در حوزه روابط بین‌الملل نیاز به تعاریف جدیدی احساس می‌شود. امروز دولت-ملت‌ها توانایی و قدرت گذشته را ندارند حتی ابرقدرت‌هایی نظیر ایالات متحده مورد تهاجم واقع می‌شوند. دیده می‌شود که در دنیای آکنده از وابستگی‌های متقابل و متداخل منطقه‌ای و جهانی، تردیدهای جدی درباره انسجام پایانی و پاسخگو بودن خود موجودیت‌های تصمیم‌گیرنده در سطح دولت ملی وجود دارد.

امروز نظریه‌های نظیر برخورد تمدن‌های هانتینگتون (که ریشه در واقع‌گرایی سیاسی دارد) برای جهان و محیط زیست انسانی خطرناک می‌باشد امروز در واقع نیاز به گفتگو به شدت احساس می‌شود. گفتگوی میان تمدن‌ها و فرهنگ‌ها، این توانسته توجه جهانیان را به ما و دیدگاه‌های ما جلب کند و سیاست خارجی ایران را فعال و پویا نماید و دست‌آوردهای فراوانی با توجه به جو جدید بین‌المللی و مسائل جدید جهانی برای ما داشته باشد و به نظر می‌رسد در آینده نیز بتواند پاسخگوی بسیاری از مسائل سیاست خارجی ایران باشد.

یادداشت‌ها

۱. زیبا فرزین‌نیا، کارآمدی گفتگوی تمدن‌ها در سیاست خارجی ایران - فصلنامه سیاست خارجی، سال دوازدهم شماره ۲ تابستان ۱۳۷۷، ص ۳۲۹.
۲. حسین سیف‌زاده، مبانی و مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۵)، ص ۱۳.
۳. محمود سریع‌القلم، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، (تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۷۹)، ص ۱۷.
۴. حسین سیف‌زاده، پیشین، ص ۴.
۵. محمود سریع‌القلم، پیشین، ص ص ۳۱ و ۳۰.
۶. اصطلاح‌گفتمان در تقسیم‌بندی دوران سیاست خارجی ایران از کتاب سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نوشته دکتر علیرضا ازغندی گرفته شده است. ایشان چهار دوره یاد شده را در چهار گفتمان مصلحت محور یا واقع‌گرا، گفتمان ارزش محور یا آرمان‌گرا، گفتمان منفعت محور، اصلاح طلبی اقتصادی (عمل‌گرا) و گفتمان فرهنگ‌گرای سیاست محور مورد بررسی و موشکافی خود قرار داده‌اند.
۷. علیرضا ازغندی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، (تهران: قومس ۱۳۸۱)، ص ۳۹.
۸. زیبا فرزین‌نیا، پیشین، ص ۳۲۹.
۹. تلکس خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، خبر شماره ۱۵۴ (۱۳۷۷/۱۲/۱۹).
۱۰. ر.ک. علیرضا ازغندی، پیشین، ص ۴۲.
۱۱. علیرضا ازغندی، تنش‌زدایی در سیاست خارجی، مورد جمهوری اسلامی ایران، مجله سیاست خارجی، شماره ۴ زمستان ۱۳۷۷، ص ۱۰۴۳.
۱۲. مهدی ذاکریان، حیاتی‌نود در روابط ایران و فرانسه، (تهران: همشهری، ۱۳۸۰)، ص ۱۰۰.

۱۳. برای اطلاعات بیشتر ن. ک. کاظم سجادیپور، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۱)، ص ۶۵.
۱۴. علی کریمی مله، جستاری در پیرامون گفتگوی تمدن‌ها، مجله گفتمان، شماره ۳، زمستان ۱۳۷۷، ص ۲۰۶.
۱۵. حسین سیف‌زاده، پیشین، ص. ۷۷.
۱۶. برای جزئیات بیشتر پیرامون بیانیه تهران در پایان اجلاس سران کنفرانس اسلامی به روزنامه اطلاعات ۱۳۷۶/۹/۲۲ مراجعه کنید.
۱۷. پیرامون بحث اهداف خارجی به منابع زیر رجوع کنید:
- Keith R. legg and James F.Marrison, "The formulation of foreign policy objectives", Politics and International system: An Introduction Marper and row, publisher, inc 1997.
- Arnold Wolfers, "The goals of Foreign Policy, Discord and Collaboration" (Balthimore. M.D. John University Press), 1963.
۱۸. بهرام اخوان کاظمی، واگرایی‌ها و هم‌گرایی‌ها در روابط ایران و عربستان، فصلنامه خاورمیانه، سال هفتم شماره ۲ تابستان ۱۳۷۹، ص ۱۳۲.
۱۹. زیبا فرزین: نیا، پیشین، ص ۳۴.
۲۰. کاظم سجادیپور، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، صص ۱۵۳ و ۱۵۴.
۲۱. برای اطلاعات بیشتر ر. ک. کاظم سجادیپور ایران و یازده سپتامبر چارچوب مفهومی برای درک سیاست خارجی مجله سیاست خارجی، سال ۱۵، شماره ۴ زمستان ۱۳۸۰.